

اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر
افزایش رضایت زناشویی
(زنان متقاضی طلاق شهر بیجار)

شمسیه نوشادی*، هادی معتمدی**

مقدمه: این پژوهش به منظور اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش رضایت زناشویی زنان مراجعه کننده به مرکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق شهرستان بیجار انجام شده است. روش: طرح مورد استفاده در این پژوهش، طرح آزمایشی (آزمایه دارای گروه کنترل تصادفی) است. جمعیت مطالعه، کلیه زنان مراجعه کننده به مرکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق در سال ۱۳۹۰ در شهرستان بیجار بودند. با اجرای پرسشنامه رضایت زناشویی اتریچ در زنان مراجعه کننده به مرکز مداخله مذکور ۶۰ زن در دو گروه مداخله (۳۰ نفر) و کنترل (۳۰ نفر) به طور تصادفی قرار گرفتند. گروه مداخله به مدت ۱ ماه، تحت ۸ جلسه آموزش گروهی براساس رویکرد تحلیل رفتار متقابل قرار گرفت. گروه کنترل تحت مداخله نما (خواندن رمان بینویان) قرار گرفتند و در پایان از هر دو گروه پس از آزمون گرفته شد.

یافته ها: نتایج آزمون تحلیل هم پراکنش (کوواریانس) نشان داد که آموزش گروهی براساس رویکرد تحلیل رفتار متقابل موجب افزایش معنادار در سطح رضایت زناشویی زنان شرکت کننده شده است.

بحث: آموزش گروهی براساس رویکرد تحلیل رفتار متقابل را می توان روش آموزشی مناسبی جهت افزایش رضایت زناشویی در زنان و پیشگیری از طلاق دانست.

کلید واژه ها: آموزش گروهی، تحلیل رفتار متقابل، رضایت زناشویی

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۲۸

. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد شمسیه نوشادی در رشته مددکاری اجتماعی به راهنمایی جناب آقای دکتر هادی معتمدی است.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (نویسنده مسئول)
<avasocialwork@yahoo.com>

** روان پزشک، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

مقدمه

ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه بشری توصیف شده است زیرا ساختاری اولیه برای بنانهادن خانواده و تربیت کردن نسل آینده است (لارسون و هلمن، ۱۹۹۴). یکی از جوانب بسیار مهم یک نظام زناشویی، رضایتی است که همسران در ازدواج تجربه می‌کنند (هالفورد، ۱۳۸۴). البته رضایت زناشویی به آسانی قابل دستیابی نیست (رزن گراندن^۲ و همکاران، ۲۰۰۴) و چنانچه عدم توافقیهای جدی و مکرری که در اوایل ازدواج تولید می‌شود حل نشود می‌تواند رضایت و ثبات این واحد را به مخاطره بیندازد (تالمن و هیسار^۳، ۲۰۰۴). علاوه بر این، قطع نظر از همه روابط زناشویی که به طلاق ختم می‌شوند، بسیاری از ازدواجها و روابط زناشویی ناموفق نیز وجود دارند که همسران به دلایل گوناگون طلاق نمی‌گیرند (گریف^۴، ۲۰۰۱). لذا توجه به رضایت زناشویی به خاطر نقشی که در سلامت روانی زوجین و فرزندان آنها دارد، اجتناب‌ناپذیر است (بیرن و همکاران^۵، ۲۰۰۴). احساس رضایت از ازدواج و رابطه زناشویی نقش مهمی را در میزان کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می‌کند. اگرچه هنگام توصیف و تعریف رضایت زناشویی به نظر می‌رسد که مسئله ساده است، اما هنگام توجه به اهمیت و پیامدهای وجود یا فقدان رضایت زناشویی، تصور سادگی رخت برمی‌بندد و پیچیدگی جای آن را می‌گیرد. رضایت زناشویی ارزیابی هیجانی-شناختی و ذهنی است که یک فرد از رابطه زناشویی‌اش دارد (اسپرچر^۶، ۲۰۰۸). گریف در تعریف سازگاری و رضایت زناشویی اظهار می‌کند که زوجین سازگار زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و کیفیت گذراندن اوقات فراغت رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال می‌کنند (گریف، ۲۰۰۰).

متأسفانه آمار و ارقام بیانگر آن است که درصد ناسازگاری زناشویی منجر به جدایی در کشور ما رو به افزایش است. طبق آمار سازمان ثبت احوال کشور، طلاق در سال ۱۳۸۹ در

1. Larson and Holman
4. Greeff

2. Rosen Grandon
5. Byrne

3. Tallman and Hsiao
6. Sprecher

کشور از رشدی ۹/۱٪ برخوردار بوده است در حالی که ۳/۸٪ از این طلاقها مربوط به استان کردستان بوده است. این در حالی است که نرخ ازدواج در کل کشور با رشدی ۰/۲٪ همراه بوده است و نرخ ازدواج در استان کردستان با رشد منفی ۱/۵٪ مواجه بوده است. مشاهده و بررسی ۹۰ متقاضی طلاق در طول ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۰ شهرستان بیجار توسط پژوهشگر حاکی از این است که عمده دلایل طلاق از دید این مراجعان، داشتن سوءتعبیرهای طرفین با ۳۰٪ از دلایل اصلی درخواست طلاق، عدم صبر و تحمل کافی، اعتیاد، بدبینی، دخالت اطرافیان و درآمد ناکافی ذکر گردیده است. همچنین کمبود مهارت‌های سازگارانه، عدم تحمل‌پذیری، پرخاشگری و عدم آشنایی با نیازهای هم‌دیگر از دلایل وجود طلاق از دیدگاه کارشناسان مستقر در مرکز مداخله در خانواده به‌منظور کاهش طلاق می‌باشد.

با توجه به عواقب ازدواجهای ناموفق (گریف و مالهرب^۲، ۲۰۰۱)، یافتن راه‌هایی جهت آرام کردن و کاهش پریشانی زوجها، حایز اهمیت است. آموزش زوجین متقاضی طلاق، می‌تواند راه‌حل مناسبی با هدف حفظ ازدواج و در عین حال کوشش برای هر چه لذت‌بخش‌تر کردن آن فراهم سازد.

در میان رویکردهای مختلف آموزشی، آموزش گروهی جدا از رویکرد درمانی، شکل نیرومندی از درمان به‌ویژه در مورد مشکلات ارتباطی محسوب می‌شود. این گروهها با هر رویکردی که اجرا شوند از آن جهت برای زوجها مناسب است که آنها متوجه می‌شوند که مشکلات آنها منحصر به فرد نیست و برخی از تعارضها بخش لاینفکی از تعارضهای زناشویی هستند. زوجها می‌توانند نحوه حل اختلافات و چگونگی اجتناب از تعارض را به یکدیگر بیاموزند. در این گروهها نظام حمایتی مثبتی که از سوی سایر زوجها دریافت می‌شود و به اندازه آموزش‌دهنده یا حتی بیش از او است. این موضوعات همگی از مزایای

۲. Greeff and Malherbe

آموزش گروهی زوجین نسبت به آموزش فردی محسوب می‌گردد. الگر^۳ (۱۹۷۶) با گرایش روان‌پوششی، پیپ^۴ (۱۹۷۶) با رویکرد راهبردنگر و میلر و سنדרز^۵ (۱۹۸۴) که رفتارگرا هستند به توصیف کار خود با گروههای زوجی پرداخته‌اند (قاضی زاده، ۱۳۸۵). نظریه تحلیل رفتار متقابل یا تحلیل تبدالی که توسط اریک برن (۱۹۶۴، ۱۹۷۰، ۱۹۷۲) در نیمه دوم قرن بیستم ارائه شده یکی از نظریاتی است که به روابط بین فردی و واکنشهای متقابل افراد با یکدیگر توجه بسیار داشته و در زمینه مسائل بین فردی، راهکارهای منحصر به فردی ارائه کرده است (اقلیما، ۱۳۸۲).

همان‌طور که گریف (۲۰۰۰) بیان می‌کند ارتباط مؤثر و کارآمد میان همسران، مهمترین جنبه خانواده‌های دارای عملکرد مطلوب می‌باشد ولی از آنجا که ارتباط در دو سطح کلامی و غیرکلامی روی می‌دهد و یکی از دلایل اصلی بروز اختلافهای زناشویی ناهماهنگی پیامهایی است که به‌طور هم‌زمان توسط این دو سطح منتقل می‌شوند (سهرابی، ۱۳۸۲)، به نظر می‌رسد که تحلیل تبدالی با آموزش تحلیل روابط به‌خصوص انواع رابطه‌های مکمل، متقاطع و نهفته، زوج را با نحوه برقراری ارتباط مؤثر آشنا می‌سازد؛ به عبارتی، زوجین را به مهارتهای ارتباطی مناسبی مجهز می‌سازد تا با تشخیص حالات من خود و همسرشان به‌ویژه با توجه به سرنخهای کلامی و غیرکلامی، بتوانند ارتباط مناسب و مکملی برقرار نمایند؛ به‌علاوه با استفاده از تکنیکهای پس‌راند والد از طرف مقابل، بتواند در موقعیتهای احتمالی تعارض‌زا، به‌خوبی با نظارت بالغ تقویت شده خود، موقعیت را اداره نموده، شرایط را برای برقراری روابط سازنده و نه تخریبی، فراهم سازند. البته از آنجا که با توجه به یافته‌های بورلسون و دلتون^۶ (۱۹۹۷) صرف نقص مهارتهای ارتباطی عامل ایجاد

۳. Elger

۴. Peep

۵. Miler and Suners

۶. Burlerson and Denton

مشکلات ارتباطی زناشویی نیست، می‌توان انتظار داشت که آموزه‌های تحلیل تبادلی در زمینه ایجاد جو صمیمانه و گریز از بازیهای روانی و به‌خصوص پرهیز از ارایه نوازشهای منفی غیرشرطی و سرزنش بتواند مانع از احساس سوءنیت از جانب همسران گردد. تعامل در زوجهای آشفته، اغلب با رفتار منفی متقابل مشخص می‌شود. آموزه‌های تحلیل تبادلی در زمینه نوازش و راهکارهای ارائه نوازش، صمیمیت، بیان آزاد احساسات و خودافشایی در فضایی توأم با امنیت روانی و همدلی متقابل، می‌تواند تقابل منفی موجود در میان همسران ناراضی را کاهش دهد. آموزه‌های تحلیل تبادلی می‌تواند با تقویت بالغ و شیوه حل مسئله و تدوین قرارداد موجب تفاهم بیشتر و کوشش برای حل مسائل میان فردی شود و با توجه به آن که مهارت‌های هیجانی، از طریق تأثیر بر فرآیند صمیمیت، سلامت زناشویی را بهبود می‌بخشد (کردوا و همکاران، ۲۰۰۵) و چون مجموعه‌ای از قابلیت‌های عاطفی، همانند توانایی آرام شدن و آرام کردن طرف مقابل، همدردی و خوب گوش دادن، می‌تواند موجب افزایش مهارت هیجانی و صمیمیت شود (داود و همکاران، ۲۰۰۵). در این پژوهش به بررسی اثربخشی آموزش این شیوه در تجهیز زنان به مهارت‌های مورد نیاز جهت بهبود روابط بین فردی و برقراری تعاملات صمیمانه و متعاقب آن افزایش سطح رضایتمندی آنها از روابط زناشویی‌شان پرداخته شده است.

پیشینه تجربی

ازدواج رابطه انسانی پیچیده، ظریف و پویا می‌باشد که از ویژگی‌های خاص برخوردار است. همچنین توجه به کانون خانواده، محیط سالم و سازنده، روابط گرم و تعاملات میان فردی عواملی هستند که می‌توانند موجب رشد و پیشرفت افراد گردد. صمیمیت به زن و شوهر امکان می‌دهد تا از دنیای تنهایی و جدایی به‌در آیند و به فضای یکپارچگی احساس

۷. Cordova

۸. Dowd

و عواطف خود با دیگران دست یابند. باید باورها و تجربه‌های خود را با هم در میان بگذارند و هر چه وجوه مشترک بیشتر شود صمیمیت عمیق‌تر می‌شود. در ایران در مورد تحلیل رفتار متقابل برن تحقیق زیادی صورت نگرفته اما از اهم آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

شفیع‌آبادی، معین و وحید واقف (۱۳۸۹) در تحقیق خود تحت عنوان مقایسه اثربخشی دو رویکرد تحلیل رفتار متقابل و راه‌حل محور در تغییر سطح رضایت زناشویی زنان متأهل شاغل تهران به این نتایج دست یافتند که بین اثربخشی دو رویکرد راه‌حل محور و تحلیل رفتار متقابل بر تغییر رضایت زناشویی زنان متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد، هر دو روش باعث افزایش رضایت زناشویی زنان می‌شوند، اما در خرده مقیاس مذهبی-عقیدتی و شخصیت روش تحلیل رفتار متقابل مؤثرتر و در خرده مقیاس ارتباط با اقوام و مسائل جنسی روش راه‌حل محور مؤثرتر است.

فراهانی، افروز و واحدی (۱۳۸۹) پژوهشی تحت عنوان گروه درمانی تحلیل-تبادلی بر رضامندی زناشویی را انجام دادند. تحلیل نتایج نشان داد که رضایت زناشویی زوجهای گروه مداخله به‌طور معناداری نسبت به گروه گواه افزایش یافته است. پیگیری وضعیت زوجها نشان دهنده پایداری تغییرات ایجاد شده است.

در پژوهشی که دانش (۱۳۸۴) با عنوان تأثیر زوج درمانی اسلامی با روش تحلیل رفتار متقابل در افزایش خودشناسی در سازگاری زناشویی زوجهای ناسازگار انجام داده است نتیجه گرفته که با ۹۵٪ اطمینان، روش (TA) □ سازگاری و رضایت زناشویی گروه مداخله را افزایش داده است. سلامت (۱۳۸۴) نیز نشان داد که این روش درمانی می‌تواند موجب افزایش رضایت، صمیمیت، گفت‌وگوی مؤثر، بهبود روش انتقاد، بهبود نتیجه‌گیری از گفت‌وگو و کاهش تعارضات زناشویی شود. فرد براساس آموزه‌های رویکرد تحلیل تبادلی، یک سیستم پویای دائمی در حال ارتباط و تبادل اطلاعات با سیستمهای دیگر است (به نقل از ثنایی، ۱۳۷۳).

در تحقیقی از تبریزی (۱۳۸۳) تفاوت‌های رفتاری ارتباطی همسران در ۲۳ زوج که از رضایت زناشویی برخوردار بودند و ۲۳ زوج که جهت مشاوره مراجعه کرده بودند مورد مقایسه قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داده است که افراد رضایت‌مند در مقایسه با گروهی که برای مشاوره مراجعه کرده بودند، بین ادراک خود و همسرشان درباره اعمال ارتباطی توافق بیشتری وجود دارد و نمرات سازگاری زناشویی آنها نیز به‌طور معناداری هماهنگ‌تر بود. آندرومیکو^۹ (۱۹۸۷) در بررسی تأثیر درمان TA در خانواده درمانی و گروه درمانی به‌معنادار بودن افزایش رضایت زناشویی نسبت به گروه کنترل رسید. سیگرام^۲ (۱۹۹۷) که به‌منظور بهبودی نگرش‌ها و رفتارهای نوجوان بزهکار از درمان راه‌حل محور استفاده نمود، موفقیت خود را اعلام کرد. همامسی^۳ (۲۰۰۵) بر روی باورهای ارتباطی ناکارآمد رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی مطالعه انجام داده است و نتایج پژوهش نمایانگر آن بوده که باورهای ارتباطی ناکارآمد در متأهلان با سازگاری دو نفری پایین، معناداری بیشتری نشان داده‌اند تا متأهلان با سازگاری بالا. ماد^۴ (۲۰۰۰) در پژوهشی اثر ترکیب دو روش درمانی راه‌حل‌محور و آموزش مهارت‌های ارتباطی را با دو گروه مداخله و کنترل مورد آزمون قرار داد و هیچ تفاوت معناداری را در افزایش رضایت در مؤلفه‌های ارتباط میان شرکت‌کننده‌ها نیافت. کورد^۵ (۲۰۰۵) مهارت‌های عاطفی در ازدواج و اهمیت آن به‌عنوان واسطه ارتباطی بین مهارت‌مندی عاطفی و رضایت‌مندی زناشویی را مورد آزمایش قرار داده و دریافتند که مهارت‌مندی عاطفی (به‌ویژه شناختن برقراری روابط عاطفی) نقش مهمی در افزایش رضایت زناشویی دارد. کازیلو^۶ (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان کاربرد TA در موقعیتهای کلینیکی و روانی به این نتیجه رسید که می‌توان از طریق تعلیم ارتباط متقابل به مراجعان، در یک زمان کوتاه، در بهبود

۹. Andromico
4. Mudd
7. Brobry

2. Seagram
5. Coart

3. Hamamci
6. Kazuko

ارتباطات کمک کرد و همچنین می توان به کارایی اعضای خانواده در موقعیتهای زندگی خانوادگی کمک نمود. برابری^۶ (۲۰۰۲) دریافت که اگر همسران رابطه خود را با اسنادهای منفی شروع کنند، با گذر زمان این موضوع باعث کاهش رضایت زناشویی می شود.

روش

۱- ماهیت تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات آزمایشی بوده و از طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل استفاده شده است.

۲- جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان متقاضی طلاق در شهر بیجار در سال ۱۳۹۰ که به مرکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق شهرستان بیجار مراجعه کرده بودند، تشکیل داده اند. نمونه آماری شامل ۶۰ زن متقاضی طلاق بود. ۳۰ نفر از این زنان در گروه مداخله و ۳۰ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. جهت انتخاب زنان متقاضی طلاق، از روش نمونه گیری تصادفی در دسترس استفاده شد. با توجه به این که زنان مذکور مراجعه کنندگان مرکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق بودند، با مراجعه به مرکز مرتبط، تعداد ۶۰ زن به طور تصادفی انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار داده شدند.

۳- روش اجرا

جهت اجرای پژوهش حاضر ابتدا با مراجعه به مرکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق شهرستان بیجار ۶۰ زن متقاضی طلاق مراجعه کننده به این مرکز به طور تصادفی ساده انتخاب شدند و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ را جهت انجام پیش آزمون تکمیل نمودند. سپس به طور مساوی و تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند.

معیارهای ورود: در رده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال قرار داشته باشند، سواد خواندن و نوشتن داشته باشد، از زمان ازدواج آنها حداقل ۶ ماه گذشته باشد.

گروه مداخله در ۸ جلسه آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل شرکت نمودند. در پایان هر جلسه شرکت‌کننده‌ها می‌بایست تکالیف مربوط به اهداف مذکور در آن جلسه را که توسط آموزش دهنده به آنها داده شده بود را اجرا می‌نمودند. پس از پایان جلسات مجدداً گروه مداخله و گروه کنترل پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ را جهت انجام پس‌آزمون تکمیل نمودند. محتوای جلسات در زیر آمده است.

جلسه اول: معارفه، ایجاد ارتباط، تعیین چهارچوب و قوانین

جلسه دوم: آموزش حالت من کودکی و نشانه‌های آن و چهار وضعیت تصمیم‌گیری

جلسه سوم: آشنایی با حالت من والدینی با مثال و نشانه‌ها

جلسه چهارم: آشنایی اعضا با حالت من بالغ و تقویت بعد مسئولیت‌پذیری

جلسه پنجم: تشریح محاوره‌های متقاطع و مکمل، تبادلات پنهان، زاویه‌دار مکمل

جلسه ششم: قصه زندگی و نقش آن در تصمیم‌گیری

جلسه هفتم: تشریح بازیها و نقش آنها در روابط

جلسه هشتم: آشنایی با انواع نوازشها، جمع‌بندی مطالب گذشته، نتیجه‌گیری و اجرای پس‌آزمون

پس از پایان جلسات، از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد و تأثیر آموزش این مهارتها بر شرکت‌کننده‌های گروه مداخله سنجیده شد. پس از پایان جلسات آموزشی و اجرای پس‌آزمون، به‌منظور رعایت اصول اخلاقی دو جلسه توجیهی با موضوع آموزش گروهی با رویکرد تحلیل رفتار متقابل برای گروه کنترل برگزار گردید و مهم‌ترین مباحث به صورت مختصر به این افراد ارائه شد.

روش اجرای مداخله‌نما: خواندن یک کتاب رمان برای شرکت‌کنندگان در گروه کنترل

و بحث درخصوص محتوای آن.

۴- ابزار تحقیق: پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ توسط اولسن (۱۹۸۹) ساخته شده و برای اندازه‌گیری رضایت زناشویی به کار رفته است. این پرسشنامه دارای ۹ خرده مقیاس بیان موضوعات شخصی، ارتباطات، حل تعارض، مسائل مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، تربیت فرزندان، ارتباط با خانواده اصلی و دوستان، جهت‌گیری مذهبی و عقیدتی می‌باشد. با توجه به طولانی بودن سؤالات مقیاسها (فرم ۱۱۵ سؤالی)، فرم ۴۷ سؤالی آن ساخته شد. اولسن و دیگران (۱۹۹۸) روایی و پایایی این پرسشنامه را به ترتیب از ۴۱ تا ۶۰٪ و ۹۲٪ گزارش نمودند. پایایی این آزمون توسط سلیمانیان و نوایی‌نژاد (۱۳۷۵) برابر ۹۵٪ محاسبه شده است. پایایی آزمون به‌روش آزمون و آزمون مجدد بین ۶۵ تا ۹۴٪ میزان همسانی درونی براساس آلفای کرونباخ ۶۹ تا ۹۷٪ و توانایی تمیز و طبقه‌بندی ۹۰/۹٪ است (میرخشتی، ۱۳۷۵).

۵- تحلیل داده‌ها

داده‌های بدست آمده از طریق آمار توصیفی (میانگین، واریانس و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (۲ با دو نمونه مستقل و تحلیل کوواریانس) در نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

در جداول شماره (۱)، (۲) و (۳)، دو گروه مستقل از لحاظ سن، طول مدت ازدواج و تحصیلات مورد مقایسه قرار گرفتند.

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که بین میانگین سنی زنان دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معنادار وجود ندارد. بدین معنی که دو گروه به لحاظ سنی هم‌تا هستند ($t=0/544$ ، $p>0/05$). بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود.

جدول (۱) مقایسه میانگین سنی زنان در دو گروه مداخله و کنترل

گروه	n	M	SD	t	p
مداخله	۳۰	۲۴/۳	۴/۴	۰/۵۴۴	۰/۵۸۸
کنترل	۲۸	۲۳/۷	۴/۲		

جدول (۲) مقایسه میانگین مدت ازدواج زنان در دو گروه مداخله و کنترل

گروه	n	M	SD	t	p
مداخله	۳۰	۳/۴	۲/۸	۰/۷۶۰	۰/۴۵۰
کنترل	۲۸	۲/۹	۲/۶		

جدول (۳) توزیع فراوانی و درصد فراوانی سطح تحصیلات زنان دو گروه مداخله و کنترل

کل	دانشگاهی (تا لیسانس)		دیپلم		زیر دیپلم		تحصیلات گروه	
	cf	f	cf	f	cf	F		
۱۰۰	۳۰	۳۱۳	۴	۴۰	۱۲	۷۴۶	۱۴	مداخله
۱۰۰	۲۸	۷۱۰	۳	۶۲۸	۸	۷۶۰	۱۷	کنترل

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که بین میانگین مدت ازدواج زنان دو گروه مداخله و

کنترل تفاوت معنادار وجود ندارد. بدین معنی که دو گروه به لحاظ مدت ازدواج همتا هستند ($t=0/760$ ، $p>0/05$). بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود.

جدول (۴) مقایسه میانگین نمرات زنان دو گروه مداخله و کنترل در حیطه‌های رضایت زناشویی در

مرحله پیش‌آزمون

<i>p</i>	<i>t</i>	SD	M	n	گروه	حیطه‌ها
۰/۲۰۵	۱/۲۸۲	۴/۳	۱۳/۴	۳۰	مداخله	بیان موضوعات شخصی
		۵	۱۵	۲۸	کنترل	
۰/۱۱۲	۱/۶۱۳	۴/۳	۱۲	۳۰	مداخله	ارتباط زناشویی
		۵/۶	۱۴/۱	۲۸	کنترل	
۰/۰۶۲	۱/۹۰۴	۳/۲	۱۱/۲	۳۰	مداخله	حل تعارض
		۳/۹	۱۳	۲۸	کنترل	
۰/۱۱۱	۱/۶۱۹	۴/۳	۱۲/۵	۳۰	مداخله	مدیریت مالی
		۳/۴	۱۴/۲	۲۸	کنترل	
۰/۲۹۹	۱/۰۴۹	۳/۴	۱۲/۶	۳۰	مداخله	فعالتهای اوقات فراغت
		۳/۱	۱۳/۵	۲۸	کنترل	
۰/۱۸۲	۱/۳۵	۴	۱۳/۳	۳۰	مداخله	روابط جنسی
		۳/۵	۱۴/۷	۲۸	کنترل	
۰/۱۰۶	۱/۶۴۵	۶/۵	۱۰/۸	۳۰	مداخله	ازدواج فرزندان
		۶/۱	۱۳/۵	۲۸	کنترل	
۰/۸۱۱	۰/۲۴	۴/۱	۱۳/۲	۳۰	مداخله	ارتباط با اقوام
		۳/۱	۱۳/۴	۲۸	کنترل	
۰/۸۰۴	۰/۲۵	۴/۱	۱۴/۳	۳۰	مداخله	جهت‌گیری دینی
		۴	۱۴	۲۸	کنترل	

۰/۰۶۴	۱/۸۸۷	۲۵/۲	۱۱۳/۴	۳۰	مداخله	کل
		۲۳/۴	۱۲۵/۴	۲۸	کنترل	

جدول (۵) نتایج تحلیل هم‌پراکنشی (کوواریانس) تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر رضایت زناشویی زنان

چ	SS	df	MS	F	p	η^2
گروه	۲۷۳۰۳/۰۹۵	۱	۲۷۳۰۳/۰۹۵	۴۲/۸۷۳	<۰/۰۰۱	۰/۴۲۴

در پژوهش حاضر دو گروه مستقل از لحاظ یک متغیر (رضایت زناشویی) مورد مقایسه قرار می‌گیرند، بنابراین لازم است نسبت به همگونی واریانسها قبل از مداخله آگاهی و اطمینان حاصل نمود، به این منظور نمره گروههای مداخله و کنترل در مقیاس رضایت زناشویی و حیطه‌های آن از طریق آزمون t با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج این مقایسه در جدول (۴) نشان داده شده است.

چنانچه در جدول (۴) ملاحظه می‌شود چون مقدار t محاسبه شده برای حیطه‌های بیان موضوعات شخصی ($t=1/282$)، ارتباط زناشویی ($t=1/613$)، حل تعارض ($t=1/904$)، فعالیتهای اوقات فراغت ($t=0/049$)، روابط جنسی ($t=1/350$)، ازدواج فرزندان ($t=1/645$)، ارتباط با اقوام ($t=0/240$)، جهت‌گیری دینی ($t=0/250$) و کل پرسشنامه رضایت زناشویی ($t=1/887$) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنادار نیست، بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود و چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین میانگین نمرات زنان دو گروه مداخله و کنترل در حیطه‌های رضایت زناشویی و کل آن در پیش‌آزمون تفاوتی وجود ندارد. بدین معنا که دو گروه به لحاظ حیطه‌های فوق و کل رضایت زناشویی در پیش‌آزمون هم‌تا هستند.

نتایج جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه مداخله و کنترل معنادار است ($F=42/873, p<0/001$). با توجه به این نتایج می‌توان گفت که آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل موجب افزایش سطح رضایت زناشویی در زنان متقاضی طلاق شده است. مجذور اتا نیز نشان می‌دهد که ۴۲٪ تفاوت در واریانس نمرات پس‌آزمون رضایت زناشویی در دو گروه ناشی از انجام مداخله مذکور است.

جدول (۶) نتایج تحلیل هم‌پراکنشی (کوواریانس) تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر سطح حیطه‌های رضایت زناشویی

منبع	متغیر	SS	df	MS	F	p	η^2
گروه	موضوعات شخصی	۶۴۲/۷۵۶	۱	۶۴۲/۷۵۶	۲۴/۷۲۶	<۰/۰۰۱	۰/۲۹۴
	حل تعارض	۱۰۲۷/۷۰۵	۱	۱۰۲۷/۷۰۵	۹۳/۶۸۷	<۰/۰۰۱	۰/۶۱۲
	روابط دوتایی	۹۶۵/۳۵۶	۱	۹۶۵/۳۵۶	۵۴/۹۶۰	<۰/۰۰۱	۰/۴۸۶
	رابطه جنسی	۵۰۴/۱۴۵	۱	۵۰۴/۱۴۵	۳۶/۵۳۷	<۰/۰۰۱	۰/۳۸۴
	نظارت مالی	۹۳/۱۲۲	۱	۹۳/۱۲۲	۴/۷۴۵	۰/۰۳۴	۰/۰۶۲
	تربیت فرزندان	۸۷۷۹	۱	۸۷۷۹	۰/۳۴۰	۰/۵۶۲	۰/۰۱۲
	روابط با اقوام	۶۱/۰۰۵	۱	۶۱/۰۰۵	۴/۴۶۵	۰/۰۳۹	۰/۰۵۷
	جهت‌گیری دینی	۱۷۱/۹۳	۱	۱۷۱/۹۳	۱۲/۴۷۸	۰/۰۰۱	۰/۱۶۸
	گذراندن اوقات	۴۳۲/۴۳۲	۱	۴۳۲/۴۳۲	۳۵/۴۸۳	<۰/۰۰۱	۰/۳۷۷

						فراغت	
--	--	--	--	--	--	-------	--

نتایج حاصل از تحلیل هم‌پراکنشی (کوواریانس) عملکرد زنان متقاضی طلاق در خرده مقیاسهای آزمون پرسش نامه رضایت زناشویی، نشان می‌دهد که بین عملکرد دو گروه در خرده مقیاسهای بیان موضوعات شخصی، حل تعارض، روابط دوتایی، رابطه جنسی و گذراندن اوقات فراغت در سطح $p < 0/001$ و خرده مقیاس جهت‌گیری مذهبی در سطح $p \leq 0/001$ و حیطه‌های نظارت مالی و روابط با اقوام در سطح $p < 0/05$ تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان بیان کرد که، آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل موجب بهبود سطح بیان موضوعات شخصی، حل تعارض، روابط دوتایی، رابطه جنسی، گذراندن اوقات فراغت، جهت‌گیری عقیدتی، روابط با اقوام و نظارت مالی زنان شده است.

همچنین نتایج تحلیل هم‌پراکنشی (کوواریانس) نشان می‌دهد که بین میانگین تفاضل نمرات زنان دو گروه مداخله و کنترل در حیطه تربیت فرزندان در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معنادار وجود ندارد ($F=0/340, P>0/05$). بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود و چنین نتیجه گرفته می‌شود که آموزش گروهی رویکرد تحلیل رفتار متقابل، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سطح رضایت زناشویی زنان گروه مداخله در حیطه تربیت فرزندان نداشته است.

بحث

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق بود. که تحلیل نتایج، نشان دهنده اثربخشی این شیوه در افزایش رضایت زناشویی زنان گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش هم‌راستا با نتایج پژوهش شفیع‌آبادی (۱۳۸۹)، فراهانی (۱۳۸۹)، دانش (۱۳۸۵) و سلامت (۱۳۸۴) است. یافته‌ای که در تمام تحقیقات یکسان بوده است

تأکید بر این موضوع دارد که امکان شکست ازدواج در سن پایین، بدون توجه به مدت آن، بیشتر است (کرو و ریدلی^{۱۰}، ۱۹۹۸). به عنوان مثال یافته‌های پژوهش میراحمدی زاده و همکاران (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که سن ازدواج در زنانی که در شرف طلاق می‌باشند به طور معنی داری در مقایسه با افراد دیگر کم تر است. به نظر می‌رسد آموزه‌های تحلیل رفتار متقابل در زمینه خودشناسی و رفع مشکلات آسیب‌شناسی شخصیت و شیوه‌های دسترسی به بالغ وحدت یافته و خودمختاری، رها شدن از پیش‌نویسهای ناکارآمد و توانمندسازی فرد برای پاسخ‌گویی این زمانی این مکانی به موقعیتها، می‌تواند فرد را به سوی تفرد و تمایز یافتگی، تحقق بیشتر خود، عدم وابستگیهای عاطفی، تعارضی و کارکردی، پیش‌برد و نتایج این پژوهش هم‌راستا با یافته‌های نجف‌لویی (۱۳۸۳) و هاووز و مالینکرات^{۱۱} (۱۹۹۸) می‌باشد.

رضایت زناشویی یعنی انطباق انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آنچه در زندگی خود تجربه می‌کند (مادانز^{۱۲}، ۱۹۸۱). نارضایتی زناشویی؛ ناشی از انتخاب رفتارهای غیرمسئولانه و نادرست در رابطه زناشویی است. هر انسانی نیازهایی دارد و بر اساس هر نیازی دارای خواسته‌هایی است. ما رفتارهای خود را طوری انتخاب می‌کنیم که مؤید دنیای ادراکی ما باشد. تضاد خواسته‌های زوجین؛ غیرواقعی بودن خواسته‌ها و ناتوانی در ارزیابی درست از رفتارهای خود موجب عدم رضایت زناشویی می‌گردد (قربانعلی پور، ۱۳۸۷).

همان‌طور که گریف (۲۰۰۰) بیان می‌کند ارتباط مؤثر و کارآمد میان همسران، مهم‌ترین جنبه خانواده‌های دارای عملکرد مطلوب می‌باشد ولی از آن جا که ارتباط در دو سطح کلامی و غیرکلامی روی می‌دهد و یکی از دلایل اصلی بروز اختلافهای زناشویی ناهماهنگی پیامهایی است که به طور هم زمان توسط این دو سطح منتقل می‌شوند (سهرابی، ۱۳۸۲)، به نظر می‌رسد که تحلیل تبادلی با آموزش تحلیل روابط به خصوص انواع

۱۰. Crowe and Ridley

۱۱. Haws and Mallinc krod

۱۲. Madance

رابطه‌های مکمل، متقاطع و نهفته، زوج را با نحوه برقراری ارتباط مؤثر آشنا می‌سازد؛ به عبارتی، زوجین را به مهارت‌های ارتباطی مناسبی مجهز می‌سازد تا با تشخیص حالات من خود و همسرشان به‌ویژه با توجه به سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی، بتوانند ارتباط مناسب و مکملی برقرار نمایند؛ به‌علاوه با استفاده از تکنیک‌های پس‌راند والد از طرف مقابل، بتواند در موقعیت‌های احتمالی تعارض‌زا، به خوبی با نظارت بالغ تقویت شده خود، موقعیت را اداره نموده، شرایط را برای برقراری روابط سازنده و نه تخریبی فراهم سازند. البته از آنجا که با توجه به یافته‌های بورلسون و دلتون^۱ (۱۹۹۷) صرف نقص مهارت‌های ارتباطی عامل ایجاد مشکلات ارتباطی زناشویی نیست، می‌توان انتظار داشت که آموزه‌های تحلیل تبدلی در زمینه ایجاد جو صمیمانه و گریز از بازی‌های روانی و به‌خصوص پرهیز از ارائه نوازشهای منفی غیرشرطی و سرزنش بتواند مانع از احساس سوءنیت از جانب همسران گردد.

تعامل در زوج‌های آشفته، اغلب با رفتار منفی متقابل مشخص می‌شود. برابری^۲ (۲۰۰۲) دریافت که اگر همسران رابطه خود را با اسنادهای منفی شروع کنند، با گذر زمان این موضوع باعث کاهش رضایت زناشویی می‌شود. آموزه‌های تحلیل تبدلی در زمینه نوازش و راهکارهای ارائه نوازش، صمیمیت، بیان آزاد احساسات و خودافشایی در فضایی توأم با امنیت روانی و همدلی متقابل، می‌تواند تقابل منفی موجود در میان همسران ناراضی را کاهش دهد. آموزه‌های تحلیل تبدلی با افزایش توانمندی زنها در مهارت‌های ارتباطی و ایجاد نیت و انگیزه‌های مثبت نسبت به یکدیگر، بهبود مهارت‌های حل مسئله و تدوین قرارداد، مهارتمندی هیجانی از طریق تأثیر بر فرآیند صمیمیت، اصلاح عملکردهای شناختی و افزایش خودافشایی، صمیمیت و در عین حال نفرد و تحقق خویش‌تن، کمک به افراد برای رسیدن به استقلال، خودپروزی، رها شدن از الگوهای ناکارآمد و مخرب برای برقراری ارتباط مانند بازیها، ترک عدم مسئولیت‌پذیری یا ناامیدی ناشی از پیش‌نویسهای

۱. Burlson and Denton

۲. Brobry

ناکارآمد، ایجاد امید و حسن نیت به خود، دیگری و دنیا، با انتخاب وضعیت سالم زندگی در طی یک فرآیند اصلاح درون فردی - میان فردی می‌تواند سلامت زناشویی را بهبود بخشد (کردوا و همکاران، ۲۰۰۵) و چون مجموعه‌ای از قابلیت‌های عاطفی، همانند توانایی آرام شدن و آرام کردن طرف مقابل، همدردی و خوب گوش دادن، می‌تواند موجب افزایش مهارت هیجانی و صمیمیت شود (داود و همکاران، ۲۰۰۵) و منجر به بهبود کیفیت ازدواج و ارتقاء سطح رضامندی زناشویی زوجین گردد.

پیشنهادها

الف- پیشنهادهای پژوهشی

- باتوجه به اینکه رویکرد تحلیل رفتار متقابل یک رویکرد تحلیلی است بهتر است برای تثبیت اثرات آموزش گروهی و جلوگیری از ارائه سریع مطالب و فهم عمیق‌تر از افراد گروه تعداد جلسات بیشتری در نظر گرفته شود.
- فراهم آوردن شواهد تجربی قوی‌تری برای اثربخشی آموزشی گروهی به‌عنوان شیوه‌ای برای مددکاری گروهی از طریق تکرار چنین پژوهشهایی در بین گروههای مختلف سنی با جنسیت‌های متفاوت
- جهت مقایسه میزان تأثیرگذاری مداخلات آموزشی گروهی بر رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق، لازم است برنامه هم‌زمانی در زنان عادی و متقاضی طلاق اجرا و نتایج آن با هم مقایسه شود.
- باتوجه به این که قلمرو مکانی این پژوهش شهر بیجار بوده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود برای تعمیم‌پذیری نتایج حاصل از این تحقیق؛ پژوهشهای مشابهی در سایر نقاط کشور و همچنین بر روی مردان نیز صورت گیرد.
- باتوجه به این که در کشور ما نظریه برن (تحلیل رفتار متقابل) در پژوهشها زیاد مورد استفاده قرار نگرفته است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که تأثیر این رویکرد بر متغیرهای دیگری چون اعتماد به نفس، وسواس، خودباوری و سلامت روان و... سنجیده شود.

ب - پیشنهادهای کاربردی

- ارائه برنامه‌های آموزش گروهی با این رویکرد قبل از ازدواج و آشناکردن افراد با انواع احساسات (مثبت و منفی) و چگونگی ابراز احساسات و ارتباط آن با رضایت زناشویی.
- پیشنهاد می‌شود پژوهشگران این رویکرد را روی زوجین بکار گیرند.
- آموزش و اجرای این پروتکل در دادگاههای خانواده و بر روی زوجین متقاضی طلاق.
- از آنجایی که معتقدیم پیشگیری بهتر از درمان است، پیشنهاد می‌شود امکان اجرای مدل‌های مختلف مددکاری گروهی با رویکردهای مختلف در نهادهایی چون آموزش و پرورش و دادگستریها و مراکز اوزانس اجتماعی و کلینیکهای مددکاری اجتماعی و نیز فراهم شود.

محدودیت‌های پژوهش

- نتایج این تحقیق محدود به زنان متقاضی طلاق شهرستان بیجار می‌باشد.
 - سن افراد گروه مداخله یکسان نبود و از ۱۸ تا ۳۰ ساله متفاوت بود.
 - عدم دسترسی به پژوهشهایی در زمینه رویکرد تحلیل رفتار متقابل به‌ویژه پژوهش کاملاً مشابه
 - عدم حضور همسران (مرد) در فرآیند پژوهش
- محدود نمودن متغیر رضایت زناشویی به نتایج پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

- اقلیما، م. (۱۳۸۲). کار با گروه (شناخت، پویایی، درمان). تهران: اسپند هنر.
- تبریزی، م. (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه اثربخشی گروه درمانی تلفیقی زوج‌ها، شناخت درمانی گروهی بک و کتاب درمانی بر کاهش ناراضایتی زناشویی. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ترکان، ه.، کلانتری، م. و مولوی، ح. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی گروه درمانی به شیوه تحلیل تبدیلی بر رضایت زناشویی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۲ (۸): ۳۸۳-۴۰۲.
- ثنایی ذاکر، ب. (۱۳۷۷). روان درمانی و مشاوره گروهی. تهران: انتشارات چهره.
- دانش، ع. (۱۳۸۴). تأثیر زوج درمانی اسلامی با روش تحلیل ارتباط متقابل در افزایش خود شناسی در رضایت و سازگاری زناشویی زوجهای ناسازگار. تهران، نخستین گنگره آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی.
- سیلمانیان، ع. ا. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی (بر اساس رویکرد شناختی) بر ناراضایتی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- سهرابی، ح. م. (۱۳۸۲). مقدمه مترجم. دن: ف. اچ، برنشتاین، اف. اچ. و برنشتاین، ام. تی. (ویراستاران). شناخت درمان اختلافهای زناشویی. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- شفیع‌آبادی، ع. ا.، معین، ل. و وحید واقف، م. (۱۳۸۹). مقایسه اثربخشی دو رویکرد راه‌حل محور و تحلیل ارتباط متقابل در تغییر سطح رضایت زناشویی زنان متأهل شاغل تهران. فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، ۲۱-۴۰.
- قاضی زاده، ه. (۱۳۸۵). اثربخشی زوج درمانی تلفیقی رفتاری گروهی بر افزایش رضایت شغلی مردان شاغل در شرکت ملی نفت تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- مشهدی فراهانی، م.، افروز، غ. ع. و احدی، ح. (۱۳۸۹). گروه درمانی تحلیل تبدیلی بر رضامندی زناشویی. اندیشه و رفتار، دوره چهارم، شماره ۱۵، ۵۱-۵۸.
- میرخشتی، ف. (۱۳۷۵). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی و سلامت روان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- نورالهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر ابزار احساسات بر رضایت زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- هالفورد، ک. (۱۳۸۴). *زوج درمانی کوتاه مدت*. ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران، تهران: انتشار فراروان.
- Andromico, M. P. (1985). The chronological elevator. Arededecision model forBoth the TA ¬ TA therapy. *Journal of Family Psychology*, 32, 731-802.
- Brobry (2002). Focus solve solution: A longitudinal analysis. *Journal of Social Psychology*, 60, 861-900.
- Burlerson, B. & Denron, W. H. (1997). The relationship between communication skill and marital satisfaction: Some moderating effects. *Journal of Marriage and the Family*, 59 (4), 884-902.
- Byrne M., Carr, A & Clark, M. (2004). The efficacy ofbehavioral couples therapy and emotionally focusedtherapy for couple distress. *ContemFam Therapy*; 26 (4): 361-384.
- E.Coart & B. Dowran (2005). Effective Skill & Romantic Relationship. *Journal of family*, 29, 361-387.
- Dowd, D. A., Means, M. J., Pope, J. F., & Humphries, J. H. (2005). Attributions and marital satisfaction: The mediated effects of selfdisclosure. *Journal of Family and Consumer Sciences*, 97 (1), 22-26.
- Gottman. J. M., Cauhbin, J. P. & Huston. T. L. (2002). A contextual Analysis of the ussvcyiution between demand / Irithdruw and marital satisfuc-lion personal relationship. 9, 95-119.
- Greeff, A. P. (2000). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Issues*, 21 (8), 948-962.
- Greeff, A. P., & Malherbe, H. L. (2001). Intimacy and marital satisfaction inspouses. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 27, 247-257.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in martialsatisfaction & adjostment. *Social Behavior & Personality: An International Journal*, 87, 701-954.
- Kazuko, N. (2006). How TA is applied in clinical psychiatry. *Social Work*.
- Larson, J. H. & Holman, T. B. (1994). Predictors of marital quality andstability. *Family Relations*, 43, 228-237.
- Mud, D. (2000). Complex solve solution therapy and communication skills. *Journal of family*, 29, 250-293.
- Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. E. & Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction procesess and marital satisfaction. *Journal of Counseling & Development*, 82 (1), 58-68.

- Sacher, J. A. & Fine, M. A. (1998). Predicting relationship status and satisfaction after six months among dating couples. *Journal of Marriage and the Family*, 58 (10) 21-23.
- Sprecher, S., Wenzel, A. & Harvey, J. (2008). *Handbook of Relationship Initiation*. New York: Taylor & Francis Group.
- Tallman, I. & Hsiao, Y. (2004). Resources, Cooperation and problemsolving in early marriage. *Social Psychology Quarterly*, 67 (2), 172-188.

Archive of SID